

نگاهی جدید به مناقشه فردگرایی و جمع‌گرایی در جامعه‌شناسی

محمد رضا جوادی یگانه^{۱*}، سیدضیاء هاشمی^۲

۱ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت ۸۶/۵/۲، تاریخ تصویب ۸۶/۱۲/۷)

چکیده

فردگرایی و جمع‌گرایی از گرایش‌های تعیین‌کننده‌ای است که در تحلیل کنش‌ها و نگرش‌های اجتماعی نقشی اساسی دارد. این مقاله به بررسی مفهوم دوراهی اجتماعی به عنوان یکی از جدیدترین مفاهیم ارائه شده در مناقشه فردگرایی و جمع‌گرایی می‌پردازد. دوراهی اجتماعی نوع خاصی از تعارض میان نفع جمعی و نفع فردی است، که در آن هر فرد، صرف‌نظر از انتخاب دیگران، بهترین گزینه، انتخاب نفع فردی است. اما اگر اکثر افراد آن را انتخاب کنند، وضعیتی ایجاد خواهد شد که برای همه افراد بدتر از حالتی است که در صورت انتخاب گزینه همیارانه یا نفع جمعی، برایشان حادث می‌شود. مسأله دوراهی اجتماعی، در نظریه انتخاب عقلانی و با استفاده از نظریه بازی و نظریه تصمیم‌گیری قابل بررسی است. از دو منظر متفاوت می‌توان دوراهی اجتماعی را تعریف کرد: هزینه‌های بیرونی و درونی، و بازی دو راهی زندانی. مهمترین انواع دوراهی اجتماعی، دوراهی منابع مشترک و دو راهی کالاهای همگانی است. در این مقاله علاوه بر ذکر مثال‌هایی از دوراهی اجتماعی، تلاش شده تا با کاوش در این مفهوم و تعاریف ذکر شده در باب آن، تعریف و تشریح دقیق و روشنی از مفهوم «دوراهی اجتماعی» ارائه شود و گرایش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه در واقعیت جامعه مورد تحلیل قرار گیرد. تحلیل دستاوردهای پژوهش‌های صورت گرفته و بررسی قابلیت مفهوم دوراهی اجتماعی در تحلیل گرایش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه پایان‌بخش مقاله است.

واژگان کلیدی: فردگرایی، جمع‌گرایی، دوراهی اجتماعی، تعارض نفع فردی و جمعی، انتخاب عقلانی، نظریه بازی.

مقدمه ۳

بحث منافع فردی و مصالح جمعی و تعارض میان آن دو، سابقه‌ای غنی در ادبیات علوم انسانی و اجتماعی دارد. از آنجا که نگاه علم مبتنی بر مسیحیت، پرهیز از منافع فردی بوده، در سرتاسر قرون وسطی، تعقیب منافع فردی، بحث نفع، ناپسند و مذموم بوده است. در جریان انقلاب صنعتی، از مفهوم «نفع فردی» نیز اعاده حیثیت شد و بتدریج از ایده «کنترل امیال توسط یکدیگر» بجای «سرکوب امیال» استفاده شد. در این میان برخی امیال که می‌توانستند کارکرد مثبت‌تری داشته باشند، رجحان داشتند و نفع فردی در میان این امیال، جایگاه محوری پیدا کرد.

هیرشمن در کتاب **هواهای نفسانی و منافع** (۱۳۷۹) بحث مبسوطی دارد درباره فرایندی که جوامع غربی در چند سده طی کردند تا در آن، مفهوم نفع از حالت مذموم و مکروه خارج شده و به عنوان یک صفت انسانی مورد نیاز جامعه پذیرفته شده است و در نتیجه آن، امروزه طلب نفع فردی، امری پسندیده و ممدوح است. عنوان فرعی کتاب وی نیز شاهد این مدعا است: «استدلال‌های سیاسی به طرفداری از سرمایه‌داری پیش از اوج‌گیری». این فرایند به جای ابتدای صرف بر سرکوب هواهای نفسانی، بر ایده مهار هواهای نفسانی متکی است.

مال‌اندوزی، به منزله پلیدترین تمام هواهای نفسانی، تا اواخر قرون وسطی، در زمره مهلک‌ترین گناه‌های کبیره بشمار می‌رفت. اما به مجرد اینکه پول درآوردن بر حسب منافع خورد و در جامعه به رقابت با سایر هواهای نفسانی برخاست، به ناگاه مورد تحسین قرار گرفت.

بتدریج با بسط دامنه عقلانیت، جستجوی نفع فردی، از طریق پذیرش نفع جمعی دنبال شد. نفعی که در آن منافع فرد از طریق منافع جمع محقق می‌شد. «مکر عقل^۱» هگل (به معنای آن که آدمیان با تبعیت از هواهای نفسانی خویش در حقیقت غافلانه، هدفی والاتر را در تاریخ جهانی برآورده می‌سازند)، اصطلاح فرویدی «والایش^۲» (اصطلاحی در نظریه روانکاوی برای ارضای رانه‌های غریزی از طریق نشان دادن رفتار اجتماع‌پسند بجای سایقه‌های ممنوع)، و «دست پنهان بازار» آدام اسمیت از این مقوله هستند.

آدام اسمیت در «ثروت ملل» بر هوای نفسی تأکید کرده که از قدیم، حرص و مال‌اندوزی تلقی می‌شد. او با جایگزین‌سازی اصطلاحات خوشایندی چون «فایده» یا «نفع^۳» به جای «هوای نفس» و «ردیلت» توانست زهر آن را بگیرد. آدام اسمیت در ثروت ملل، به خوبی این نکته را بیان می‌کند:

1. cunning of reason
2. sublimitation
3. interest

این که ما به نان و شراب شب خویش می‌رسیم، نه بخاطر نیکوکاری قصاب است، نه شراب‌فروش، و نه نانوا؛ بلکه بخاطر توجهی است که اینان به منافع شخصی خود دارند. ما نه به انسانیت آنان، بلکه به جیب‌شان تکیه می‌کنیم. هرگز از احتیاجات خودمان با آنان سخن نمی‌گوییم، بلکه از سودی که آنان از قبل ما می‌برند سخن به میان می‌آوریم. هیچکس جز گدایان منحصرأ به حسن نیکوکاری همشهریانش تکیه نمی‌کند (فریدمن و فریدمن، ۱۳۶۷: ۱۲۵).

به مجردی که ایده نفع مطرح شد، به حالتی واقعی و نیز به نوعی پارادایم بدل شد، چنانچه به ناگاه تقریباً تمام اعمال انسان، گاه تا مرز توضیح و اضحات، از طریق نفع شخصی تبیین می‌شد (هیرشمن، ۱۳۷۹). در فرانسه، لاروشفوکو هواهای نفسانی و تقریباً همه فضایل را به نفع شخصی فرو کاست و در انگلستان، هابز به نحوی مشابه، کار خطیر فرو کاستن تمام احساسات بشری به نفع شخصی را به انجام رسانید. همسو با این تحولات، مثل اولیه «نفع هرگز دروغ نمی‌گوید»^۱ که معنایی تجویزی داشت. بدین مضمون که می‌باید نفع را به دقت فهم کرد و سپس مقدم بر سایر سیره‌های عمل ملهم از انگیزه‌های دیگر، مورد پیروی قرار داد - پیش از پایان سده هفده، به مثل محرز «نفع، فرمانروای عالم^۲» بدل شد. دل‌باختگی به نفع چونان شاه‌کلید درک عمل انسان به سده هجده نیز کشانده شد. سرتاسر قرون ۱۸ و ۱۹ دوران تسلط نفع فردی بود.

البته در کنار جریان غالب که لیبرالیسم و جستجوی نفع فردی بود، جریان دیگری هم نضج گرفت که از مضار فردگرایی می‌گفت و بر این باور بود که آزادی اقتصادی، هرج و مرج را تنظیم می‌کند و معتقد بود که تقسیم کار، علاوه بر نتایج سودمند، پیامدهای زیانباری هم دارد (کوزر، ۱۳۶۹: ۵۴). سن‌سیمون و شاگرد او آگوست کنت (در مراحل اولیه رشد فکری خود) و برخی دیگر از سوسیالیست‌ها در قرن ۱۹، برخلاف جریان رایج موضع گرفتند و سعی در رواج مکتبی نمودند که در آن اصالت با نفع فردی نباشد، بلکه هر فرد، مصالح جمعی را در اولویت قرار دهد. اما لااقل در قرون ۱۸ و ۱۹ این جریان فکری در اقلیت بود. البته در کنار سوسیالیست‌ها، کاتولیک‌ها نیز مأخوذ از آموزه‌های دینی و بویژه آیین کاتولیک، جستجوی صرف نفع فردی را برای یک انسان مذهبی، چندان پسندیده نمی‌دانستند.

اما توصیه به تعقیب نفع فردی، به تدریج با مشکلاتی همراه شد. بدین صورت که در برخی موارد، دنبال کردن نفع فردی کوتاه‌مدت، جامعه و البته فرد را نیز با مشکلاتی همراه می‌کرد که نه خواسته و نه مطلوب فرد بود. مقوله دوراهی اجتماعی، از اینجا پدید آمد. شاید اولین کسی که به طور

1. interest will not lie
2. interest governs the world

جدی به مسأله دوراهی اجتماعی- البته بدون ذکر این مفهوم- توجه کرده باشد، گرت هاردین در مقاله معروف خود با نام «تراژدی اراضی مشاع» (۱۹۶۸) باشد. وی در این مقاله بحث می‌کند که بسیاری از مشکلات امروزی در جامعه غربی فاقد راه‌حل تکنیکی هستند، و به تدریج به یک تراژدی تبدیل شده‌اند. از نظر هاردین، این تراژدی وقتی رخ می‌دهد که کالای همگانی در اختیار گروهی از افراد قرار دارد که آنها به صورت مشترک می‌توانند از آن استفاده کنند، ولی آنقدر آنها بی‌رویه استفاده می‌کنند که عملاً آن کالای همگانی از بین خواهد رفت. ماهیگیری و چرای دام از این نوع استفاده از منابع مشترک است. مثال دیگر آن مشکلات افزایش جمعیت است. وی معتقد است که بهترین گزینه برای فرد در مسائل عمومی، سهم بردن از کالاهای همگانی بدون همکاری است و از همین‌روست که استراتژی طفیلی‌گری^۱ غالب می‌شود.

بحث هاردین تنها نمونه طرح این مسأله نبود، در این سال‌ها بحث‌های گسترده‌ای درباره مضرات نفع فردی مطرح شده که دوراهی اجتماعی، یکی از آنها است. در سال ۱۹۸۰، داووز در مقاله‌ای در *سالنامه روانشناسی*، اصطلاح «دوراهی اجتماعی^۲» را مطرح کرد. از آن تاریخ تا انتهای قرن بیستم حداقل هشت کنگره بین‌المللی با عنوان دوراهی اجتماعی برگزار شده است.

تعارض میان نفع فردی و جمعی، و پیامدهای منفی تعقیب نفع فردی در نظریه انتخاب عقلانی^۳، نیز مطرح می‌شود. نظریه انتخاب عقلانی، جامعه را مجموعه‌ای از افراد می‌داند که کنش عقلانی دارند. یعنی بر اساس این نظریه، کنشگر، کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر فایده را برای او دارد (کلمن، ۱۳۷۷؛ هرسانی، ۱۹۸۶). هر چند که پارتو، جامعه‌شناسی را علم کنش‌های غیرمنطقی و اقتصاد را علم کنش‌های منطقی می‌داند (بودون، ۱۳۷۰)، اما در جامعه‌شناسی نیز یک گرایش عمده وجود دارد که بر اساس انتخاب عقلانی، رفتارهای بشری را تبیین می‌کند. برخی از مهمترین صاحب‌نظران این نظریه عبارتند از: ماکس وبر، جان هرسانی، جیمز کلمن، ریمون بودون و جان‌الستر (اودن، ۲۰۰۱). روایت جامعه‌شناختی انتخاب عقلانی، تمام رفتارهای بشری را عقلانی تصور نمی‌کند، بلکه اعتقاد دارد که مردم به تعداد و دفعات کافی دست به کنش عقلانی می‌زنند که نظریه انتخاب عقلانی را به یک گزاره کارآمد تبدیل می‌کند، و دیگر اینکه کنش عقلانی ابزاری، از لحاظ روش‌شناختی مقدم است، یعنی وقتی سعی می‌کنیم کنش انسانی را درک کنیم، باید تبیین‌ها و الگوهای عقلانی را در اولویت قرار دهیم. (کرایب، ۱۳۷۸؛ اودن، ۲۰۰۱). از طرف دیگر، با اولویت دادن به کنش عقلانی، راه را برای نگاه کردن

1.free-riding
2. social dilemma
3.rational choice theory

به سایر انگیزه‌ها باز می‌کنیم، یعنی با نگاه کردن به شیوه تفاوت واقعیت با آنچه که در صورت عقلانی بودن کنش افراد می‌توان انتظار داشت، امکان کشف جنبه‌های شالوده‌ای - یا دست‌کم غیرعقلانی - رفتار آنها ممکن است.

این نظریه‌پردازان با اضافه کردن ساختارها (کلمن، ۱۳۷۷)، محدودیت‌های شناختی (بودون، ۱۹۹۸)، هنجارها و ارزش‌ها (الستر، ۱۹۸۹) در فرایندهای انتخاب عقلانی فرد، به نوعی «عقلانیت اجتماعی»^۱ (وس، ۲۰۰۱؛ لیندنبرگ، ۲۰۰۲) اعتقاد دارند که در ادامه‌ی «عقلانیت محدودشده» (سایمون، ۱۹۸۲)، تبیین‌کننده رفتارهای فرد در محیط اجتماعی می‌تواند باشد. بر این اساس، افراد در محدوده شناخت خود، و با جهت‌گیری‌های اخذ شده از هنجارها و ارزش‌ها، و در چارچوب ساختارهای اجتماعی، هنگام مواجهه با یک موقعیت متعارض، گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که برایشان بیشترین نفع را به دنبال داشته باشد. البته این نظریه تلویحاً اعتقاد هم دارد که این انتخاب، مطلوب و برای جامعه نیز مناسب است.

تعریف دوراهی اجتماعی

برای مفهوم dilemma ترجمه‌های متفاوتی شده است: لزوم انتخاب یکی از دو چیز ناخوشایند، تنگنا، دوراهی خطرناک، برهان ذوالحدین، قیاس دو حدی، گزین دژسویه، معضل، معما، محظور، مشکل، مخمصه، و وضع دشوار (آریان‌پور، ۱۳۷۷: ۱۴۳۸). یک دوراهی موقعیتی است که یک کنشگر می‌تواند با آن روبرو شود و البته به دست آوردن نفع بالاتر در آن، او را با انتخاب نسبتاً دشواری روبرو می‌کند، یعنی با دوراهی‌ای که یک طرف آن نفع آنی است و طرف دیگر نفع درازمدت. دنبال کردن نفع آنی می‌تواند هزینه‌ها و زیان‌هایی برای فرد به دنبال داشته باشد و از نفع درازمدت وی بکاهد. و چنانچه فرد، نفع فردی آنی و نفع درازمدت را با هم مقایسه کند (با صرف‌نظر کردن از عامل زمان که در نفع آنی، بسیار بیشتر است)، نفع درازمدت برای فرد بیشتر است تا نفع آنی. اما این در ذات دوراهی است که فرد با یک وضع دشوار یا مخمصه روبرو شود که هر یک از دو انتخاب (نفع آتی یا آنی)، برای فرد مزایا و مضاری دارد و فرد نمی‌تواند به راحتی یکی از این دو را انتخاب کند. اگر منافع فرد روشن‌بود، آنگاه دوراهی موجود نبود، بلکه فرد به راحتی می‌توانست تصمیم بگیرد.

1. social rationality
2. bounded rationality

یکی از انواع دوراهی‌ها، «دوراهی شخصی»^۱ است (چاتیاس، سولودکین و بارون، ۱۹۹۸). دوراهی شخصی، موقعیتی است که فرد با یک دوراهی از نوع نفع آنی فردی و نفع درازمدت برای خود روبرو است، مانند خوردن غذای چرب و تنقلات، یا تنبلی و کاهلی در ورزش کردن که می‌تواند در درازمدت عوارض جبران‌ناپذیر بر سلامت فرد داشته باشد. این نوع دوراهی، به عقلانیت پارامتریک باز می‌گردد، که در آن فرد با دیگران سر و کاری ندارد و فقط باید میان منافع فردی کوتاه‌مدت و درازمدت خود (بدون توجه به تصمیمات دیگران) انتخاب کند. یک مثال رایج آن در ایران، استفاده یا عدم استفاده از کمربند ایمنی در هنگام رانندگی است. یک دلیل کمربند نبستن، قصد رانندگی آزاد و راحت و پرهیز از فشاری است که کمربند بر فرد وارد می‌کند. در اینجا فقط نفع فرد در میان است و ربطی به دیگران ندارد، البته عوارض ثانوی نبستن کمربند راننده در صورت تصادف، به سایر سرنشینان نیز وارد می‌شود. اما این نوع از عوارض و هزینه‌ها، فرعی و درجه دوم است و می‌توان در این تحلیل از آن صرف‌نظر کرد.

اما موقعیت‌هایی وجود دارد که در آن رفتار افراد، بر دیگران و نتایج^۲ و بازده‌های آنها اثر می‌گذارد. این نوع از موقعیت‌ها در دوراهی اجتماعی لحاظ می‌شوند. دوراهی اجتماعی موقعیتی است که در آن نفع فردی کوتاه‌مدت با نفع جمعی درازمدت در تعارض قرار می‌گیرد. ادبیات موضوع نشان می‌دهد که می‌توان از سه منظر متفاوت به دوراهی اجتماعی نگریست. در این بخش، ابتدا برخی از تعاریف ذکر شده در هر یک از این سه منظر مرور می‌شود و سپس سعی در ارائه یک تعریف برگزیده از دوراهی اجتماعی با توجه به دقت‌های مفهومی آن می‌شود.

تعریف با هزینه‌های بیرونی و درونی: می‌توان مانند ریمون بودون (۱۳۷۰) با بحث نظام‌های وابستگی متقابل آغاز کرد، نظام‌هایی که در آن کارگزاران نظام، مصدر کنش‌هایی هستند که موجب تکوین پدیده‌های جمعی می‌شود که به این عنوان، خواسته این کارگزاران^۳ (واژه‌ای که بودون به جای بازیگر^۴ می‌گذارد تا میان نظام وابستگی متقابل و مقوله نقش‌ها تفاوت قایل شود) نبوده است. به عنوان مثال، وقتی شما در صف خرید بلبط سینما قرار می‌گیرید، ناخواسته صرف مدتی زمان را به افرادی که بعد از شما آمده‌اند، تحمیل می‌کنید؛ به افرادی که نمی‌شناسید و هرگز نیز نیت تحمیل زمان اضافی را بر آنان نداشته‌اید.

1. personal dilemma
2. outcome
3. agent
4. actor

با اندکی توسع و تغییر در مفهوم، می‌توان «هزینه‌های بیرونی» را نیز وارد کرد. هزینه‌های بیرونی (E)¹، پیامدهای اعمال یک کنشگر (اعم از سود و زیان) است که ناخواسته بر دیگران وارد می‌شود (مارشال، ۱۹۹۸). بازده‌های زیانمند دوراهی‌های اجتماعی، از طرف اقتصاددانان هزینه‌های بیرونی ترجمه شده است. یعنی وقتی رفتار یک فرد بر موقعیت دیگران، بدون توافق صریح آن افراد، تأثیر می‌گذارد. به بیان وسیع‌تر، هزینه‌های بیرونی، وابستگی‌های متقابل غیرجبران شده^۲ است (کولاک، ۱۹۹۸). در یک تعریف دیگر، یک هزینه بیرونی، یک اثر جنبی از کنش عامل است که پیامدی برای خود عامل ندارد، اما برای دیگران دارد. یک هزینه بیرونی مثبت، نتایج خوبی برای دیگران دارد و یک هزینه بیرونی منفی، نتایجی بد (فودی و دیگران، ۱۹۹۹: ۳۶۹). این پیامدها هم منتج از نظام‌های وابستگی متقابل ریمون بودن است و هم از روابط افراد در چارچوب نقش‌ها. در مقابل هزینه‌های بیرونی، هزینه‌های درونی (I)^۳ قرار دارد که پیامدهای عمل برای خود فرد یا کنشگر است. می‌توان برای تعریف دوراهی اجتماعی، دیگری یا دیگران را در اینجا، جمع یا گروه یا جامعه‌ای دانست که فرد عضو آن است.

رابطه وابستگی متقابل میان فرد و دیگری، یک پیوستار دوقطبی است که دامنه‌ای از «نتایج کاملاً ناهمخوان^۴» تا «نتایج کاملاً همخوان» دارد. نتایج یا بازده‌ها، وقتی کاملاً همخوان هستند که نفع فردی عیناً مساوی نفع جمعی باشد، یعنی: $+I=+E$ و $-I=-E$. در این حالت، نفع فرد با نفع دیگری یا جمع یکی است و به عبارت دیگر نفع فردی از طریق نفع جمعی متحقق می‌شود. مثلاً یک نجار و یک پیمانکار ساختمانی می‌خواهند هر دو از یک پروژه ساختمانی جدید به سود برسند و نفع آنها به تلاش‌های یکدیگر وابسته است. این مسأله، تقریباً مشابه با «دست پنهان بازار» آدام اسمیت است. نتایج کاملاً ناهمخوان، وقتی است که نفع فردی در تعارض کامل با نفع جمعی باشد ($+I=-E$) و $-I=+E$. این موقعیت وقتی رخ می‌دهد که نفع فردی فقط هنگامی بدست بیاید که فرد در مقام ضرر به دیگران برآید، مانند شرکت‌هایی که در یک بازار مشترک رقابت می‌کنند. و از طرف دیگر نفع گروه، فقط از طریق زیان به فرد بدست می‌آید. وقتی در یک موقعیت بحرانی گروه از فرد می‌خواهد خود را فدا کند، سود جمع تنها از طریق زیان یک فرد، یعنی مرگ وی و فدا کردن خود به نفع زنده ماندن دیگران، بدست می‌آید. بازی سرجمع صفر، بیان‌کننده نتایج کاملاً ناهمخوان است.

1. externality
2. uncompensated
3. internality
4. perfect correspondence outcomes

این دو حالت افراطی وابستگی متقابل، در بسیاری مواقع رخ نمی‌دهد و بیشتر، ترکیبی از نتایج همخوان و ناهمخوان با هم مشاهده می‌شود که از آن به «وابستگی متقابل با انگیزه‌های مختلط^۱» یاد می‌شود (ون‌لانگ و دیگران، ۲۰۰۰). یعنی حالتی که فرد در میانه‌های پیوستار قرار دارد، و I و E با هم تفاوت دارند، نه اینکه مساوی هم باشند یا در تعارض با هم باشند. به عبارت دیگر، قدر مطلق I و E با هم مساوی نیست. برخی از این انگیزه‌های مختلط عبارتند از: دیگرخواهی (به حداکثر رساندن بازده دیگران) و همکاری (به حداکثر رساندن بازده مشترک)، فردگرایی (به حداکثر رساندن بازده فردی)، و رقابت (به حداکثر رساندن نتیجه نسبی).

چنانچه (با پذیرش خطر ساده‌سازی) رفتار فرد را در نظام وابستگی متقابل با انگیزه‌های مختلط، تنها یکی از دو حالت زیر بدانیم:

- رفتاری که در آن، فرد منافع جمع و گروه را در اولویت قرار می‌دهد، که گزینه همیارانه (C)^۲ است؛ و

- رفتاری که در آن فرد منافع فردی خود را در اولویت قرار می‌دهد، که گزینه غیرهمیارانه (D)^۳ است. آن‌گاه می‌توان در نظام وابستگی متقابل با انگیزه‌های مختلط، موقعیتی را دوراهی اجتماعی دانست که (ون‌لانگ و دیگران، ۲۰۰۰):

الف) انتخاب گزینه غیرهمیارانه، E- را برای همه به دنبال دارد؛

ب) در آن موقعیت، حداقل یک نوع از بازده برای فرد ممکن است که در آن گزینه غیرهمیارانه (بیش از گزینه همیارانه)، I+ را فراهم می‌کند؛ و

ج) جمع (قدر) مطلق E بزرگتر از جمع I+ است.

به عبارت دیگر، چنانچه همه D را انتخاب کنند، E- نتیجه خواهد شد و اگر یک فرد D را انتخاب کند I+ بیشتری دارد تا اگر C را انتخاب کند، و البته (از نظر ون‌لانگ و همکارانش) جمع هزینه یا پیامدهای بیرونی (برای دیگران)، بیش از پیامدهای درونی مثبت برای فرد است. در این حالت اگر همه افراد، یا تعداد قابل توجهی از آنان، D را انتخاب کنند، در آن صورت E- ایجاد شده از I+ فردی بیشتر خواهد شد، یعنی پیامدهای منفی بیرونی جامعه یا گروه، بیش از پیامدهای مثبت درونی برای فرد است.

-
1. mixed-motive
 2. cooperative (C)
 3. defective (D)

برخی دیگر از صاحب‌نظران نیز (از جمله دو کرامر و دو وایت، ۲۰۰۲: ۵۴۱)، به این نوع از تعریف اشاره کرده‌اند.

در باب تعریف ارایه شده توسط ون‌لانگ و دیگران، نکات زیر قابل تامل است:
اولاً به اعتقاد نگارندگان، در شرط سوم، به جای جمع (یا قدر) مطلق E، باید جمع E- باشد. زیرا در دوراهی اجتماعی، با انتخاب یک گزینه غیرهمیارانه از سوی افراد، باید به یک وضعیت نامطلوب منجر شود و این یعنی وقتی پیامدهای بیرونی منفی باشد. آنچه از سوی ون‌لانگ و دیگران ذکر شده (یعنی قدر مطلق E) ارجاع به هنگامی دارد که تأثیر یک عمل بر دیگران بیشتر است تا نفع آن برای فرد و البته این تأثیر لزوماً منفی نیست و لذا تصریح به هزینه بیرونی منفی (E-) در اینجا لازم است.

نویسنده اول مقاله، این ابهام را با نویسندگان مقاله، مطرح کرد. مارک ون‌وگت، در پاسخ اذعان کرد که در دوراهی اجتماعی، پیامدهای منفی برای گروه، اگر همه عدم همکاری داشته باشند «بدتر» است از پیامدهای مثبتی که هر فرد در صورت همکاری به دست می‌آورد. پائول ون‌لانگ نیز در پاسخ، مسأله را مرتبط با اندازه هزینه‌های درونی و بیرونی می‌داند و اشاره می‌کند: «در دوراهی اجتماعی، هزینه‌های درونی مثبت است، در حالیکه هزینه‌های بیرونی منفی است»، یعنی هر دو نفر به E- اشاره کردند.

ثانیاً در تعریف هزینه یا پیامد بیرونی، هزینه‌ها یا پیامدهای انجام عمل برای دیگری است، دیگری‌ای که مجزا و متفاوت از فرد است، اما ادبیات دوراهی اجتماعی، معمولاً به موقعیتی ارجاع دارد که در آن فرد میان نفع خود و نفع گروه بزرگ‌تری که خود نیز عضو آن است، مخیر می‌شود و لذا در اینجا نفع خود با نفع دیگری در تعارض نیست، بلکه نفع خود به تنهایی، با نفع خود ذیل نفع گروه در تعارض با هم قرار می‌گیرند. این مسأله نیز در این تعریف مهم است و باید به تصریح، این دو تعارض را از هم تفکیک کرد. بخش زیادی از ادبیات نظریه بازی، به تعارض میان خود و دیگری بازمی‌گردد، در حالیکه باید به تعارض میان خود (به تنهایی) و خود (در ذیل جمع) اشاره کنند.

تعریف با دوراهی زندانی: دوراهی اجتماعی، از منظری دیگر، بر اساس بازی دوراهی زندانی^۱ بنا شده است. در دوراهی زندانی فرد مخیر است بین همکاری (عدم اعتراف) و عدم همکاری (اعتراف)، و هر چند که فرد بدنبال نفع فردی آنی خود (یعنی کم شدن از زمان زندان) است، اما در نهایت آنچه رخ می‌دهد، زیان جمعی است که در آن، هم خود و هم دیگری متحمل زیان می‌شوند (برای توضیح

1. prisoner's dilemma game

بازی دوراهی زندانی و سایر بازی‌ها، مراجعه کنید به بودن، ۱۳۷۰؛ و جوادی یگانه، ۱۳۸۳ ب). بر این اساس، وقتی تعداد بازیگران در یک دوراهی زندانی، از دو نفر به چند نفر افزایش می‌یابد، می‌توان گفت که با یک دوراهی اجتماعی روبه‌رو هستیم. به عبارت دیگر، (در یک تعریف ابتدایی) دوراهی اجتماعی، یک دوراهی زندانی چندنفره است. برخی از محققین، به این تعریف از دوراهی اجتماعی اشاره کرده‌اند (دین، ۱۹۹۷؛ ونوگت و دیگران، ۲۰۰۰).

داوز در مقاله مشهور خود، «دوراهی‌های اجتماعی»، در سالنامه روان‌شناسی دوراهی اجتماعی را چنین تعریف کرده است:

«دوراهی اجتماعی» با دو خصیصه ساده زیر تعریف می‌شود:

- هر فرد با انتخاب گزینه عدم همکاری اجتماعی (مانند داشتن فرزند اضافی، استفاده از همه قابلیت‌های مصرف انرژی، آلوده کردن فضای مورد استفاده همسایگان)، منفعت بیشتری دریافت می‌کند تا وقتی که گزینه همکاری اجتماعی را انتخاب می‌کند، بدون توجه به اینکه دیگران در جامعه چه می‌کنند.

- اما همه افراد منفعت بیشتری می‌برند، اگر همه همکاری کنند بجای اینکه بصورت انفرادی عمل کنند (داوز، ۱۹۸۰: ۱۶۹، به نقل از ونوگت و دیگران، ۲۰۰۰: ۶).

البته، چنانچه خواهیم دید، خطاست که تنها ساخت ممکن برای دوراهی اجتماعی را در دوراهی زندانی خلاصه کنیم. به عبارت دیگر، تنها یکی از انواع دوراهی اجتماعی، دوراهی زندانی چندنفره است، دوراهی‌ای که هر فرد ترجیحاتی دارد که در نهایت، عدم همکاری، استراتژی مسلط خواهد شد. اما اول اینکه تغییر از سطح دو نفره به چندنفره، تمایزات ماهوی در بازی دوراهی زندانی ایجاد می‌کند. داوز سه تمایز اساسی میان این دو را مشخص کرده است:

- در دوراهی چندنفره، کنش‌های فرد لزوماً بر دیگران آشکار نمی‌شود، ناشناختگی در این نوع از دوراهی ممکن است و یک فرد ممکن است طفیلی‌گری کند بدون اینکه دیگران متوجه عمل او بشوند. در حالی که در دوراهی دونفره، هر فرد دقیقاً می‌داند که دیگری چه کرده است.

- هزینه عدم همکاری در دوراهی دونفره مستقیماً بر دوش نفر دیگر قرار می‌گیرد. در حالیکه در دوراهی چندنفره، این هزینه، بین گروه پخش می‌شود.

- در دوراهی دو نفره، هر فرد کنترل مشخص بر نتیجه‌های فرد دیگر دارد و لذا می‌تواند رفتار او را شکل بدهد. در حالیکه در دوراهی چند نفره، فرد ممکن است تأثیر کمی (یا عدم تأثیر مستقیم) بر رفتار دیگران داشته باشند (داوز، ۱۹۸۰، به نقل از کولاک، ۱۹۹۸).

کولاک (۱۹۹۸) همچنین معتقد است که در حرکت از دوراهی دونفره به چندنفره، دو موضوع بسیار مهم است:

- ناشناختگی، پخش زبانِ عدم همکاری و ناتوانی در تأثیر مستقیم بر بازده‌های دیگران، ابعاد ممکن (اگر چه، غیر اجتناب‌ناپذیر) دوراهی اجتماعی چندنفره است. البته هر دوراهی اجتماعی کلان، لزوماً تمام این ابعاد را نشان نمی‌دهد.

- بعضی از مشخصه‌های دوراهی اجتماعی چندنفره، در دوراهی دونفره نیز مشاهده می‌شود. برای مثال در بازی آزمایشگاهی دوراهی زندانی، فرد می‌داند که نفر دیگر دقیقاً چه می‌کند، اما در نسخه واقعی این بازی، لزوماً فرد نمی‌داند دیگری چه می‌کند. من می‌توانم مادامی که بیرون هستم، به شریک خود قول بدهم که دستور او را اطاعت می‌کنم و تصمیم داشته باشم که فقط به اندازه نیاز خودم کار کنم و بعد ادعا کنم که فرضاً ترافیک سنگین، مانع از اجرای دستورات او شده است.

دوم اینکه تمام تعارض میان منافع فردی و جمعی در ساخت دوراهی زندانی خلاصه نمی‌شود. بازی بزدلانه^۱ و بازی اعتماد یا تضمینی^۲ نیز می‌تواند در سطح چندنفره تعمیم یابد و ساخت‌هایی متفاوت از دوراهی زندانی چندنفره را شکل دهد؛ ساخت‌هایی که یا به انواع دیگری از رفتار منجر شود که در آن عدم همکاری استراتژی مسلط نباشد و یا به دلایل دیگری، جز طلب نفع آنی بیشتر، به عدم همکاری بینجامد. به تعبیر کولاک (۱۹۹۸)، اگر یک موقعیت، ساختار دوراهی تضمینی را داشته باشد، و سوسه طفیلی‌گری مانع از همکاری نیست، بلکه ترس از برجسب ساده‌لوحی، علت آن است. اما در بازی بزدلانه، انگیزه طفیلی‌گری بیش از بازی دوراهی زندانی است.

تعریف با تضاد منافع فردی و جمعی: نوع دیگر از تعریف، تعریفی است که در آن به تعارض میان منافع کوتاه مدت فردی و منافع درازمدت جمعی اشاره شده است، اما ارجاعی به نظریه بازی یا هزینه‌های درونی و بیرونی نشده است. برخی از این تعاریف که منطقی نزدیک به تعریف از منظر نظریه بازی داشتند، در آن بخش گنجانده شدند، اما سایر تعاریف چنین دقتی را نداشته‌اند و یا قصد آن را نداشته‌اند.

تعریف دوراهی اجتماعی در *دائرةالمعارف روان‌شناسی پنگوئن* چنین است:

دوراهی اجتماعی موقعیتی است که در آن بازده یا منافع فردی برای یک شخص بالا است، اگر از هنجارهای اجتماعی پیروی نکند؛ اما وقتی همه افراد چنین کنند، بازده نهایی برای همه افراد کاهش می‌یابد. بعنوان مثال، وقتی در یک مجموعه ساختمانی، یک نفر برای داشتن گرمای زیاد در زمستان، از حداکثر ظرفیت گرمایشی ساختمان استفاده کند، بیشترین منفعت را خواهد برد و در زمستان با سرما مواجه

1. chicken game
2. trust game- assurance game

نخواهد شد. اما اگر همه ساکنان آن مجموعه بخواهند چنین کنند، امکانات تولید گرما در ساختمان تکافوی همه آنها را نخواهد داد و لذا تمام افراد ساکن با سرما مواجه خواهند شد (ربر، ۱۹۹۵).

آنچه در این تعاریف مشترک است (بیل، ۲۰۰۰: ۲۵؛ دین، ۱۹۹۷؛ دراگر و کولاک، بی تا؛ کولاک، ۱۹۹۸؛ لیبراند و ون لانگ و مسیک، ۱۹۹۶؛ سوگیمان، ۱۹۹۸؛ تئوملا، ۱۹۹۲؛ ون لانگ و دیگران، ۲۰۰۰)، این است که در اکثر آنها، به موقعیتی که دنبال کردن نفع فردی کوتاه مدت به زیان جمعی خواهد انجامید، اشاره کرده اند و این مسأله در قلب تعریف دوراهی اجتماعی قرار می گیرد.

جمع بندی تعریف

به گمان ما، در تعاریف ذکر شده در بالا، برخی نکات کمتر مورد اعتنا واقع شده است. برخی از آنها به این دلیل می تواند باشد که در پارادایم انتخاب عقلانی، بدیهی هستند و لذا لزومی به ذکر آنها نبوده است و برخی دیگر نیز، می تواند به عنوان پاره ای نکات تازه در این مقاله نگریسته شود. جوان بودن مقوله دوراهی اجتماعی، تاب نکات و دقت های تازه را نیز دارد.

چنانچه در تمام کتاب **تعاون و همکاری** مایکل آرگایل (۱۳۷۹) نیز مشاهده می شود، در زندگی روزمره، افراد و گروه ها، در بسیاری از زمینه ها با هم همکاری دارند و اصولاً حداقلی از همکاری برای بقای زندگی روزمره ضروری است و می توان با دقت در لوازم و ضرورت های کارکردی نظام، رگه هایی از همکاری را مشاهده کرد.

افراد در جریان جامعه پذیری یاد می گیرند که باید با یکدیگر همکاری داشته باشند و به هم کمک کنند. آنچه تحت عنوان نظریه های عمل اخلاقی آمده، به این فرایند اشاره دارد. در هر حال، در زندگی اجتماعی، غلبه و کثرت با رفتارهای همیارانه است و اگر چنین نباشد زندگی اجتماعی دچار اختلال خواهد شد.

همکاری می تواند دو نوع متفاوت از انگیزه ها را داشته باشد. گاهی فرد همکاری می کند، چون می داند که برای خودش بهتر است. به عنوان مثال، اگر در هنگام رانندگی با شنیدن صدای آژیر آمبولانس یا ماشین آتش نشانی، به سرعت راه باز می کند، به این دلیل است که ممکن است خانه خودش آتش گرفته باشد و یا هیچ بعید نیست که روزی خود وی دچار ایست قلبی شود و در این صورت، لحظات برای وی حیاتی خواهند بود و لذا الان راه باز می کند تا در آن روز، دیگران راه باز کنند. الستر (۱۹۸۹) از این رفتار به «هزینه های بیرونی» یاد می کند.

اما از منظری دیگر نیز می‌توان به همکاری نگرینست و آن عمل اخلاقی است. ما در جریان جامعه‌پذیری یاد می‌گیریم که کمک به دیگران و همکاری با آنها نیک و پسندیده است و لذا برای اینکه در پیشگاه جامعه و وجدان خویش (یا نزد پروردگار) شرمسار نشویم، این اعمال اخلاقی را انجام می‌دهیم. به ماشین آتش‌نشانی راه می‌دهیم، چون می‌دانیم که افرادی الان در محاصره آتش هستند و ما موظف به کمک به آنها هستیم، فارغ از اینکه دیگران آیا به ما در هنگام گرفتاری کمک خواهند کرد یا خیر. الستر، این نوع از همکاری را «رفتار مددکارانه» می‌نامد.

با پذیرش رویکرد انتخاب عقلانی، به مسأله همکاری و عدم همکاری و نیز دوراهی اجتماعی از منظر نخست نگرینسته می‌شود، هر چند که منظر دوم نیز مهم و قابل اعتنا است.

با بسط دامنه عقلانیت ابزاری و فردیت، افراد به دنبال بیشینه کردن منافع فردی خویش هستند. در این مسیر چنانچه آدم اسمیت نشان داده، اگر هر فرد، نفع خویش را دنبال کند، در مجموع، سود بیشتری برای همگان حاصل خواهد شد. اما در گذر زمان، فردگرایی به تدریج عمیق‌تر و پیچیده‌تر شد و افراد مشاهده کردند که برای رسیدن به نفع فردی بیشتر، باید به فکر دیگران نیز هم بود. فردگرایی مثبت (در برابر فردگرایی منفی یا خودمداری) به همین نکته اشاره دارد. با «به سر عقل آمدن سرمایه‌داری»، برای هر آنکه به دنبال سود بیشتر ولی پایاتر و مطمئن‌تر بود، پذیرش هزینه‌هایی (اجتماعی و اقتصادی) الزامی بود. لذا حسابگران نیز همکاری و گذشتن از نفع آنی به امید نفع بزرگتر آتی را در بسیاری موارد پذیرفتند (و البته اخلاقیون از ابتدا آن را سرلوحه تعالیم خود قرار داده بودند). در هر حال، آموزه غالب، تعقیب نفع فردی، با رعایت برخی ملاحظات بود.

اما موقعیت‌هایی یافت می‌شد که در آن، نفع فردی در تعارض با منافع جامعه و گروه (که خود فرد نیز یکی از اعضای آن است) بود و در نتیجه با عمل فرد بر حسب نفع فردی، عملاً از آن نفع نیز باز می‌ماند. بحث هاردین (۱۹۶۸) در باره تراژدی اراضی مشاع، یک نقطه شروع دیگر برای این مسأله بود.

تمام رفتارهای افراد را در قالب این موقعیت نمی‌توان ریخت و افراد همیشه بین انتخاب نفع فردی و نفع جمعی (و در مواقعی نفع دیگران) قرار نمی‌گیرند. یک اشتباه رایج، این است که دوراهی اجتماعی در زندگی روزمره، گاهی بیش از اندازه شناخته می‌شود^۱ (ونلانگ و دیگران، ۲۰۰۰). این نگاه در اکثر موارد، تعارض میان نفع فردی و جمعی را می‌بیند.

1. over-recognized

در حالی که در بسیاری مواقع، افراد مطابق هنجارهای اجتماعی عمل می‌کنند که عملاً نفع اجتماعی با رفتار عادی فرد متحقق می‌شود. به عبارت دیگر، به مرور زمان و به تعبیر داروین، سازوکار «انتخاب انساب»، آن دسته از هنجارها که باقی مانده‌اند، و آدمیان به تبعیت از آن ترغیب و حتی مجبور می‌شوند، آنها هستند که نفع جامعه را به دنبال دارند. بنابراین وقتی فرد در جریان جامعه‌پذیری یاد می‌گیرد که مطابق هنجارها عمل کند، عملاً نفع جامعه را تحقق خواهد بخشید. اما در موقعیت‌هایی شبیه به آنچه در بالا ذکر شد، یک فرد آگاهانه یا ناخودآگاه در برابر یک دوراهی است و باید بین یکی از این دو راه انتخاب کند. یک راه با جهت‌گیری نفع فردی است و راه دیگر معطوف به منافع جمع است، و دنبال کردن راه اول باعث ایجاد مسائل اجتماعی فراوانی می‌شود. اما در سایر موقعیت‌ها و شرایط، لزوماً فرد با رفتن به دنبال منافع فردی خویش، مسأله اجتماعی ایجاد نمی‌کند. بنابراین دوراهی اجتماعی تنها به دنبال توصیف رفتار در یک موقعیت خاص است (که البته نمونه‌های فراوانی در زندگی روزمره دارد) و نمی‌توان آن را به تمام موقعیت‌ها در جامعه تعمیم داد. هنوز هم در بسیاری مواقع، نظریه «دست پنهان بازار» آدام اسمیت در جامعه قابل پذیرش است و نفع فردی منجر به نفع جامعه و نفع جمعی خواهد شد. اما در این موقعیت‌های خاصی که ذکر آن رفت، این‌گونه نیست. دوراهی اجتماعی در تقابل با نظریه «دست پنهان» آدام اسمیت است که می‌گفت که نفع فردی منجر به نفع جمعی می‌شود (لیبراند و ون‌لانگ و مسیک، ۱۹۹۶). یعنی نظریه دست پنهان بازار، در برخی موارد نمی‌تواند رفتارهای اجتماعی را تبیین کند که دوراهی اجتماعی یکی از آنهاست.

در هر حال مفهوم دوراهی به معنای آن است که کنشگر بین دو گزینه واقع می‌شود که با انتخاب یکی از آنها فرد به دنبال تحقق منافع آنی خویش است و در گزینه دوم فرد به دنبال تحقق منافع جمع یا گروه است که البته خود وی نیز یکی از اعضای گروه است و لذا منافع گروه، مشتمل بر منافع فرد هم هست.

نکته مهم این است که در مفهوم دوراهی، وجود دو گزینه «ناپسند» و یک وضعیت فاسد، مستتر است، یعنی در هر حال فرد بین دو گزینه مخیر شده که هر دو برایش نامناسب است و فرد مجبور به انتخاب است و انتخاب هر کدام برایش زیانی دارد؛ در یکی ناگزیر از صرف‌نظر کردن از نفع فردی است و در دیگری جامعه زیان می‌بیند. لذا در هر حال، انتخاب برای فرد دشوار است و این، معنای دوراهی است.

البته همه انواع تعارض میان نفع فردی و جمعی نیز دوراهی اجتماعی نیست، بلکه تنها آن دسته از تعارضات را می‌توان دوراهی اجتماعی دانست که در آن، انتخاب نفع فردی آنی، به زیان آتی خود

آن فرد (و سایر افراد) منجر خواهد شد. سایر انواع تعارض نفع فردی و جمعی که در آن، فرد با انتخاب نفع فردی، به زیان جامعه کاری انجام می‌دهد، ولی زبانی متوجه خود او نخواهد شد، از این مفهوم بیرون هستند (نمونه آن نتایج کاملاً ناهمخوان است). مشاهده می‌شود که در رفتارهای اجتماعی فرد و آنگاه که فرد بین منافع فردی و جمعی مخیر می‌شود، صور مختلفی از نتایج و علل دو نوع اصلی رفتار (همکاری و عدم همکاری) قابل مشاهده است، که باید میان آنها تمایز گذاشت و هر نوع انتخاب فردی را به معنای زیان جمعی یا دوراهی اجتماعی نپنداشت.

تغییرات جدید در نظریه انتخاب عقلانی و پذیرش ایده عقلانیت اجتماعی، به شناخت بهتر نحوه انتخاب در دوراهی اجتماعی، کمک می‌نماید. رفتارهای از روی عادت، رفتار شبه‌عقلانی، رفتارهای با عقلانیت محدود، عقلانیت در زندگی روزمره و ... از این نوع رفتارها است. لذا در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، حتی اگر کنشگران به دنبال نفع فردی خود باشند، باز هم لزوماً نمی‌توانند این نفع را تعقیب کنند یا آن را به درستی انتخاب کنند. این مسأله امروزه اهمیت بسیاری یافته است و جای آن دارد که به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرد.

نکته دیگر این است که باید میان دوراهی اجتماعی از نظر عامل و دوراهی اجتماعی از نظر ناظر تفاوت گذاشت (دربندی، ۱۳۸۵). تعریف ذکر شده در این مقاله، بر این فرض استوار است که فرد در معرض دو انتخاب قرار دارد و می‌تواند انتخاب کند که کدام یک از این دو گزینه، برای وی سود بیشتری دارد، و او بر اساس تمام عوامل موثر بر رفتار در دوراهی اجتماعی (جوادی یگانه، ۱۳۸۳ الف)، تصمیم گیرد که گزینه همیارانه را انتخاب کند یا غیرهمیارانه را. اما مسأله اینجاست که فرد به دلیل ساختارهای اجتماعی یا به دلیل نوع جامعه‌پذیری، گاه اصولاً بیش از یک گزینه را پیش‌روی خود نمی‌بیند و لذا خود را درگیر یک دوراهی نمی‌بیند. چنانچه پیش از این ذکر شد، در بسیاری از جوامع و حالات، فرد در جریان جامعه‌پذیری همیارانه عمل می‌کند و لذا ابتنای اصلی جامعه بر همکاری است. از طرف دیگر نیز می‌توان مسأله را مورد توجه قرار داد و آن نیز وضعیتی است که فرد، غیرهمیارانه رفتار می‌کند و لذا وقتی نتیجه این موقعیت نابسامانی و ایجاد مشکل در جامعه می‌شود، این وضعیت از نظر جامعه طبیعی و سرنوشت جامعه است، و نه محصول و پیامد عمل خودشان. در این وضعیت، مسأله اول، آگاه کردن افراد به انتخابی بودن وضعیت و وجود بیش از «یک» گزینه در موقعیت است.

مسأله دیگر، تمایز گذاشتن بین فردگرایی و خودمداری^۱ است. با بهره‌گیری از ادبیات نظریه انتخاب عاقلانه، فرد می‌تواند به دنبال نفع فردی خویش باشد، ولی آنجا که تحقق نفع فردی به صورت آنی، زیان‌های جمعی برای همه (و از جمله خود فرد) به ارمغان می‌آورد، از این نفع موقتاً صرف‌نظر کند. این، فردگرایی است، اما دنبال کردن نفع فردی، در هر حال و بدون ملاحظه این جهات، خودمداری است.

فردگرایی و جستجوی نفع فردی، مفهومی مثبت و به معنای تحقق نفع فردی به گونه‌ای است که نفع جمعی نیز در آن مستتر است. لذا مفهوم نفع فردی و فردگرایی در این دوران، با خودخواهی و فردگرایی خودمدارانه متفاوت است.

ظهور جنبش فردگرایی را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین خصایص جامعه مدرن به شمار آورد. در حوزه اجتماعی برخی مانند تونیس و رایزمن به بعد منفی فردگرایی یا فردگرایی منفی^۲ آن توجه داشته‌اند و برخی دیگر مانند دورکیم، توکویل، مرتن ابعاد مثبت فردگرایی یا فردگرایی مثبت^۳ و ابعاد منفی آن را به نحو توأمان مورد توجه قرار داده‌اند.

فردگرایی مثبت معمولاً یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی تلقی می‌گردد و معطوف به خودباوری، خودشکوفایی، اعتماد به نفس، استقلال فردی، خوداثربخشی (Self-efficacy)، احترام به خود و ... است که همگی دارای بار ارزشی مثبت هستند. در حالی که فردگرایی منفی معطوف به خودمداری، منیت، کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران، اتکای افراطی به خود، داشتن شخصیت اقتدارگرا و ... می‌باشد. (تری‌یاندیس، ۱۹۸۸، به نقل از میرزایی، ۱۳۸۵) فردگرایی منفی را می‌توان خودمداری نامید.

بنابراین به خاطر تفاوت‌های ماهوی می‌بایست بین فردگرایی مثبت و فردگرایی منفی تمایز قایل شد، زیرا یکی به دنبال نفع شخصی خود در کنار- یا در سایه- نفع اجتماعی سایرین است و دیگری به نفع شخصی خود، به قیمت ضرر همگانی و جمع یا بی‌توجه به جمع، رضایت می‌دهد. به عبارتی، منظور از فردگرایی مثبت اهمیت دادن به استعدادها و انسان‌ها با هدف اعطای شخصیت و تفکر و خلاقیت به آنها است. به نحوی که با تکیه به خود، شخصیت فردی و اجتماعی خویش را تقویت نموده و آگاهانه با مسائل جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، برخورد نمایند. اما مراد از فردگرایی منفی،

1. egoism
2. negaive individualism
3. positive individualism

خودپرستی و خودمحوری است که در آن فرد همه چیز را فدای خویش نموده و با قائل شدن محوریّت تام و مطلق برای خویش، بر آن است تا از همه چیز، نفع شخصی خود را به دست آورد. نکته دیگر در تعریف دوراهی اجتماعی این است که نباید این مفهوم را صرفاً به عنوان یک متغیر دوتایی^۱ انتخاب نفع فردی یا نفع جمعی دید. بلکه می‌توان با استفاده از منطق فازی، بین نفع فردی و نفع جمعی سطوح متعددی را تصور کرد. گاهی انتخاب بین نفع فردی و نفع جمعی یا حتی انتخاب بالاترین میزان نفع فردی، بسیار دشوار است. وقتی که در یک سنگر کاملاً مسدود، نارنجکی انداخته می‌شود، هر فرد باید در چند ثانیه بین «مرگ همه» یا «مرگ یک نفر و بقای دیگران» تصمیم بگیرد. چنانچه یک نفر خود را روی نارنجک بیندازد، او قطعاً خواهد مرد و بقیه زنده خواهند ماند و چنانچه هیچ‌کس چنین کاری را نکند، همه به احتمال قریب به یقین کشته خواهند شد. حال یک فرد بین مرگ تقریباً قطعی خود به همراه دیگران و مرگ قطعی خود با بقای دیگران باید انتخاب کند. البته در این موقعیت، علاوه بر ایثار و فداکاری، می‌توان روابط قدرت را نیز در نظر گرفت و احتمال داد که افراد، ضعیف‌ترین فرد حاضر در سنگر را بر روی نارنجک می‌اندازند. اما در هر حال انتخاب، با در نظر گرفتن هر نوع نفعی، در این موقعیت دشوار است. میزان تفاوت میان نفع فردی و نفع جمعی و نیز فاصله زمانی رسیدن به نفع جمعی نیز در انتخابهای فرد مؤثر است. چنانچه وقتی یک فرد بین رشوه یا پورسانت چند ده میلیونی خود و منافع شرکت، سازمان و جامعه‌ای که عضو آن است قرار بگیرد، بیشتر احتمال دارد که نفع فردی خود را انتخاب کند. تا وقتی که میزان سود حاصل از عمل فردی چندان بالا نباشد. یا همکاری افراد با یکدیگر در موقعیتهایی مانند: صرفه‌جویی در مصرف آب، تلاش برای کاهش آلودگی هوا و مقرارت راهنمایی و رانندگی - که سود عمل جمعی در آن بسیار سریع حاصل خواهد شد - بیشتر است تا همکاری برای رسیدن به توسعه اجتماعی، نظم اجتماعی مطلوب، اخلاق شهروندی، نفع سازمانی و ... که زمان بیشتری (گاه به اندازه عمر کاری یک فرد) را می‌برد. از منظر پارسونزی نیز می‌توان کنشگران را فقط در سطح فردی ندید. کنشگر می‌تواند یک فرد، یک گروه، یک سازمان، یک منطقه، یک جامعه کلی یا یک تمدن باشد (روشه، ۱۳۷۶: ۵۷). بنابراین یک کنشگر، می‌تواند بین سطوح متفاوتی از نفع شخصی و نفع جمعی یا سطوح متفاوتی از جمع‌گرایی و فردگرایی مخیر شود. در ادامه، در این خصوص بیشتر توضیح داده خواهد شد؛ آنجا که انواع دوراهی اجتماعی از حیث بزرگی بررسی می‌شود. رفتار فرد نیز می‌تواند معطوف به رعایت نفع جمعی در هر یک از سطوح جمع باشد. اما آنچه که در جامعه ما بیشتر به چشم می‌خورد و به عنوان یک

1. binary

مسأله اجتماعی طرح شده است، موقعیت‌هایی است که در آن فرد، به منافع جمع‌های بزرگ و کلان - مانند سازمان، شهر، محله یا ملت و کل بشریت - بی‌اعتنا است.

همه دوراهی‌های اجتماعی به وسیله حداقل یک تعادل ناقص (dedicient)، ایجاد می‌شوند. ناقص است، یعنی حداقل یک بازده دیگر وجود دارد که فرد می‌تواند آن را انتخاب کند و آن بازده برای او بهتر است. تعادل است، زیرا فرد انگیزه‌ای ندارد که رفتار خود را تغییر دهد. یعنی دوراهی اجتماعی نمونه واقعی تراژدی است (کولاک، ۱۹۹۸). گروهی از افراد که درگیر دوراهی اجتماعی هستند، ممکن است به صورت کامل موقعیت را بفهمند و به اهمیت این معنی پی ببرند که عمل آنها ممکن است نتیجه ناگواری داشته باشد و ممکن است که به این معنی متفطن نباشند.

در نهایت می‌توان دوراهی اجتماعی را چنین تعریف کرد:

«دوراهی اجتماعی، موقعیتی است که در آن هر کنشگر عضو یک گروه یا جامعه، در آن موقعیت با دو گزینه روبرو است و یکی از این دو گزینه را (تقریباً اجباری) باید انتخاب کند: غیرهمیارانه (که جستجوی نفع فردی است) و همیارانه (که جستجوی نفع جمعی، یا جستجوی نفع فردی از طریق نفع جمعی است). شرایط این موقعیت به گونه‌ای است که:

- برای هر کنشگر (بی‌توجه به اینکه دیگران چه می‌کنند)، انتخاب گزینه غیرهمیارانه، نفع بیشتری را برای فرد به دنبال دارد.

- چنانچه تعداد قابل توجهی از کنشگران در آن گروه یا جامعه، گزینه غیرهمیارانه را انتخاب کنند، همه (از جمله خود آن کنشگران) زیان بیشتری می‌برند، در مقایسه با وضعیتی که گزینه همیارانه را انتخاب می‌کردند.»

این تعریف محقق‌ساخته، به گمان ما، نسبت به تعاریف ذکر شده در این مقاله، جامعیت بیشتری دارد و عناصر و ابعاد دوراهی اجتماعی را بهتر نشان می‌دهد.

مثال‌های دوراهی اجتماعی

در زندگی امروزی، موقعیت‌های متعددی را می‌توان یافت که دوراهی اجتماعی باشد:

- وقتی که یک فرد از یک پارک و گردشگاه استفاده می‌کند، نفع فردی به او حکم می‌کند که زیاده‌های خود را همان‌جا رها کرده و برای تخلیه زیاله، مدتی به دنبال سطل زیاله نگردد. اما در موقعیتی که همه چنین کنند، دیگر استفاده از پارک و گردشگاه میسر نخواهد بود.

- وقتی که در بحران کمبود آب، یک نفر بدون توجه به کمبود آب، هر نوع استفاده‌ای که می‌خواهد، بدون لحاظ صرفه‌جویی، می‌تواند از آب ببرد؛ ولی وقتی که همه چنین کنند، دیگر هیچ کس نمی‌تواند از آب بهره ببرد، از جمله شخص ذکر شده.

- هنگام رانندگی، اگر فرد طبق قواعد راهنمایی و رانندگی، رانندگی کند، باید با سرعت مطمئنه حرکت کند، فاصله خود را با خودروی جلویی تنظیم کند، هنگام تغییر مسیر از یک مسیر عبوری (line) به مسیر دیگر احتیاط و تأمل کند، هنگام زرد بودن چراغ راهنمایی توقف کند، در هنگام سبقت گرفتن قواعد را رعایت کند ... رعایت همه این قوانین، در نگاه اول باعث کاهش سرعت فرد در رانندگی خواهد شد و لذا ترجیح فردی، بر یله و رها رانندگی کردن است. اما موقعیتی را تصور کنید که همه افراد چنین رانندگی کنند، در آن صورت با ترافیکی چنان پیچیده و در هم فرو رفته روبرو خواهیم شد که رهایی از آن به چندین برابر وقت احتمالی برای رانندگی یله، نیاز دارد.

- در شهرهای بزرگی که با پدیده‌های آلودگی هوا و وارونگی هوا روبرو هستند، هر فردی می‌تواند با خود تصور کند که چنانچه تمام افراد در چنین موقعیتی، از مسافرت‌های غیرضروری در سطح شهر خودداری کنند و نیز تا حد امکان از رانندگی با وسیله نقلیه شخصی پرهیز کنند تا از میزان آلودگی هوا کاسته شود، در این صورت با استفاده من از وسیله نقلیه شخصی، چندان بر آلودگی هوا افزوده نخواهد شد و البته من نیز در دسرهای سوار و پیاده شدن مکرر و وسیله نقلیه عمومی پیدا کردن را نخواهم داشت؛ لذا منافع شخصی ایجاب می‌کند که از خودروی شخصی استفاده کنم. اما چنانچه همه افراد چنین استدلالی با خود داشته باشند، نتیجه آن آلودگی شدید هوا خواهد بود؛ نتیجه‌ای به نفع هیچ‌کس نخواهد بود.

بر این مثال‌ها، می‌توان باز هم افزود: دفاع از کشور در شرایط جنگی با ریسک احتمالی مرگ، یا پرهیز از خطر و در نتیجه تحمل اشغال و سلطه بیگانه بر جان و مال و ناموس افراد؛ رعایت وجدان کار و تعهد کاری به قیمت کار زیاد، یا راحت‌گرایی و آسودگی و در نتیجه کاهش سود عمومی شرکت‌ها و سازمان‌ها و زیان عمومی افراد جامعه؛ پرهیز از فساد اداری و نگرفتن رشوه و عدم رابطه‌بازی به قیمت از دست رفتن پاره‌ای از منافع - گاه بسیار زیاد -، یا جستجوی منافع فردی در هر موقعیت اداری و به هر قیمتی و در نتیجه وجود نظام اداری ناکارآمد و فاسد که زیان آن گریبانگیر عموم مردم خواهد شد؛ و... مثالهای دیگر هم هست: انتخابات، ماهی‌گیری، سوء استفاده از بیمه، نظام قضاوت جنایی، بدهی‌های ملی، رفاه، تعاونی‌های کارگری، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری برای رقابت‌های تجاری، اینترنت، مخارج غیرقابل کنترل دولتی، روند رو به زوال گذاشتن مدارس دولتی.

آنچه در بالا ذکر شد، دوراهی‌های در سطح فردی است. علاوه بر آن، می‌توان دوراهی‌های اجتماعی را در سطح گروه‌ها یا نظام اجتماعی نیز مشاهده کرد، که برخی از آنها در ادامه خواهد آمد.

انواع دوراهی اجتماعی

برای دوراهی اجتماعی انواع گوناگونی را می‌توان تصور کرد. برخی از این انواع به خود دوراهی بازمی‌گردند، برخی دیگر به تعداد افراد درگیر در آن، و گروهی دیگر به نوع روابط موجود در آن.

انواع دوراهی اجتماعی از حیث نوع دوراهی: دو نوع اصلی دوراهی اجتماعی از حیث نوع دوراهی، دوراهی کالای همگانی^۱ و دوراهی منابع عمومی (یا مشترک)^۲ است (کولاک، ۱۹۹۸؛ بیل، ۲۰۰۰؛ اک، ۱۹۹۸).

- دوراهی‌های کالاهای همگانی: یک کالای همگانی، یک منبع یا سود همگانی است، صرف‌نظر از اینکه شخص به تهیه آن کمک کرده باشد یا خیر؛ مثل تلویزیون یا پارک. یک کالای همگانی دو مشخصه اصلی دارد، اول اینکه، غیرانحصاری^۳ است: اگر یک کالا برای یک نفر، در دسترس باشد، برای همه در دسترس است، مانند تلویزیون عمومی، کرانه یک رودخانه، یا هوای پاک. نتیجه غیرانحصاری بودن یک کالای همگانی، وسوسه برای استفاده از آن کالا بدون مشارکت در ایجاد یا نگهداری از آن است؛ یعنی طفیلی‌گری. این تمایل بر مبنای حرص^۴ است، یعنی تمایل برای بدست آوردن بیشترین بازده برای خود. علت دیگر، ترس^۵ است. گاه ترس از همکاری فرد بدون مشارکت دیگران و ساده‌لوح^۶ قلمداد شدن، بیش از حرص، بر عدم همکاری افراد تأثیر می‌گذارد.

مشخصه دیگر کالای همگانی این است که غیررقابتی^۷ یا دارای منابع تمام‌نشدنی^۸ است، یعنی استفاده یک نفر، از دسترسی نفر دیگر کم نمی‌کند. اگر من برخی از منابع را استفاده کنم، آن منبع هنوز برای بقیه قابل دسترسی است. اگر من یک برنامه تلویزیون را تماشا کنم، از بقیه چیزی کم نمی‌شود.

یک کالای همگانی کامل، هم غیرانحصاری است و هم غیررقابتی، اما بسیاری از کالاهای همگانی، تنها در حدی این دو را دارند.

1. public good dilemma
2. common resource dilemma
3. non-excludable
4. greed
5. fear
6. sucker
7. nonrival
8. jointness of supply

مشکل دوراهی کالای همگانی، با طرح آن در کتاب **منطق کنش جمعی** نوشته مانسور اولسون (۱۹۶۵)، معروف شده است. دوراهی موجود در کالاهای همگانی، آن است که در آن، مردم مخیر می‌شوند بین شرکت کردن یا عدم شرکت در تهیه یک کالای عمومی، که در صورت ایجاد، هر فرد (مشارکت‌کنندگان به اندازه کسانی که مشارکت نکرده‌اند) به آن دسترسی آزادانه دارد. یک بار که این کالا فراهم شد، تمام اعضای گروه می‌توانند از آن استفاده ببرند، بدون ملاحظه اینکه در ایجاد آن سهم داشته‌اند یا خیر.

به عبارت دیگر، در دوراهی کالای همگانی افراد باید تصمیم بگیرند که چقدر از بعضی منابع باارزش نظیر زمان، تلاش یا پول را برای تلاش در جهت فراهم کردن یک کالای همگانی، اختصاص می‌دهند. ذات این قبیل دوراهی این است که هر فرد تلاش می‌کند تا با طفیلی‌گری از مشارکت دیگران استفاده کند. اما اگر همه چنین کنند، وضعیت نهایی خیلی بدتر از زمانی است که افراد همه مشارکت می‌کردند.

دوراهی‌های منابع عمومی: تراژدی اراضی مشاع، این دوراهی را بیان می‌کند. این دوراهی ابتدا توسط گرت هاردین (۱۹۶۸) طرح شده است. هاردین یک گروه از دامداران را توصیف کرده که به یک مرتع مشترک، دسترسی آزاد دارند. تمایل هر دامدار، داشتن تعداد بیشتری گاو است، که سود آن به فرد می‌رسد و زیان آن در گروه تقسیم می‌شود. ولی اگر همه چنین کنند، نتیجه زیانبار است. در اینجا، با تراژدی اراضی مشاع روبرو می‌شویم. اینجا نیز دسترسی به منبع غیرانحصاری است، ولی در اینجا برعکس کالای همگانی، امکان کم شدن^۱ سود وجود دارد (برعکس غیررقابتی بودن کالای همگانی)؛ یعنی هر چه من ماهی بیشتر صید کنم، دیگران میزان کمتری می‌توانند صید کنند.

در اینجا، مسأله تابع تولید نیست، بلکه ظرفیت حمل اشترکات است، یعنی یک تابع از نرخ ذخیره‌سازی^۲. ذخایر عمومی متفاوت، نرخ احیای متفاوت دارند: استفاده از ماهی، نرخ از بین بردن مواد آلوده‌کننده هوا، و بارندگی سالانه که منابع آب زیرزمینی را پر می‌کند، با هم تفاوت دارند.

کالای همگانی درگیر مسأله تولید و دوراهی منابع عمومی، درگیر مسأله مصرف یک کالای جمعی است که انحصاری کردن آن سخت است. دلایل گوناگونی وجود دارد که چرا انحصاری کردن این کالاها هزینه‌بر است (کولاک، ۱۹۹۸)، از جمله:

- طبیعت فیزیکی منبع (ماهی‌های اقیانوس)،

- تکنولوژی در دسترس (محصور کردن زمین‌های جنگل بسیار هزینه‌بر است)،

1. subtractability
2. replenishment

- قوانین موجود یا هنجارهای سنتی (قدغن کردن افراد از انحصاری کردن کالاها همگانی).
دوراهی موجود در منابع عمومی آن است که هر فرد در دسترسی به یک منبع عمومی، باید تصمیم بگیرد که چقدر از این منبع باید استفاده شود. برای هر فرد، بهترین حالت این است که تا حد امکان از این منبع عمومی استفاده کند. اما اگر همه چنین کنند، منبع عمومی به صورت جدی مورد تهدید قرار می‌گیرد. بنابراین در سطح گروهی، برای افراد بهتر است که سطح برداشت خود را کنترل کنند.

انواع دوراهی اجتماعی از حیث بزرگی: دوراهی اجتماعی در سطوح مختلفی وجود دارد: از روابط بین‌شخصی تا تصمیم‌سازی در گروه‌های بزرگ و انواع تعارضات بین‌المللی و حتی در نظر گرفتن آینده بشریت و نسل‌های آتی.

چنانچه ذکر شد کنشگر می‌تواند یک فرد، یک گروه، یک سازمان، یک منطقه، یک جامعه کلی یا یک تمدن باشد. بنابراین یک کنشگر، می‌تواند بین سطوح متفاوتی از نفع شخصی و نفع جمعی مخیر شود:

- وقتی کنشگر یک فرد است، او می‌تواند بین منافع فردی خود و منافع جمعی متفاوتی (گروه‌های کوچک، خانواده، گروه‌های دوستی، گروه همسالان، محله، سازمان، شهر، جامعه ملی و ملت، بشریت و کل مردم جهان) قرار گیرد.

- وقتی کنشگر یک خانواده است، می‌تواند بین نفع خانواده و نفع جمع‌های بزرگتر مخیر شود. مقوله‌ای مانند رشد جمعیت و جمعیت اضافی^۱ ناشی از در نظر نگرفتن نفع جمعی در این سطح است. در مسائل زیستی جهانی، یک ملت ممکن است به منافع جهانی بی‌اعتنا باشد و در کار آلوده کردن محیط زیست باشد، چیزی که نفع جهانی را به مخاطره می‌اندازد، هر چند که ممکن است آن ملت، نفع کوتاه‌مدت از منافع، بدون لحاظ مسائل زیست محیطی (و هزینه‌های رو به افزایش آن) بدست آورد.

- وقتی کنشگر یک نسل از ملت یا حتی ساکنان کره زمین باشند، می‌تواند میان بهره جستن هر بیشتر از منابع و امکانات طبیعی ولو به قیمت تمام شدن آنها یا آلودگی‌های زیست‌محیطی بعدی، و در نظر گرفتن سهم و سلامت و رفاه نسل‌های بعدی در کره خاکی مخیر شوند.

در یک طبقه‌بندی رایج، می‌توان دوراهی‌های اجتماعی را به دوراهی‌های خرد و دوراهی‌های کلان طبقه‌بندی کرد و البته دو تعبیر متفاوت از دوراهی کلان (و خرد) می‌توان در نظر گرفت:

1. overpopulation

دوراهی‌ای که در آن کنشگران در سطح کلان (دولت‌ها، نسل‌ها، سازمان‌ها، احزاب و...) هستند، و دوراهی‌هایی که در آن منافع افراد در تعارض با منافع کلان جامعه (و نه منافع گروه‌های کوچکی که عضو آن هستند) قرار می‌گیرد.

دوراهی اجتماعی کلان (large-scale)، انتخابی است در میان مردم در اجتماعاتی که به صورت ضعیفی به هم پیوسته هستند، و جایی که افراد از لحاظ جغرافیایی پراکنده هستند: مثلاً حفظ آب در یک بحران بی‌آبی، رانندگی یا دوچرخه سواری در هوای آلوده (بیل، ۲۰۰۰).

دوراهی اجتماعی سطح کلان (در معنای دوم)، سخت‌تر از دوراهی سطح خرد قابل حل است، زیرا (ون‌لانگ و دیگران، ۲۰۰۰):

- ادراک از اثربخشی در دوراهی سطح کلان، هم در سطح فردی هم در سطح جمعی، پائین‌تر از دوراهی اجتماعی سطح خرد است. در دوراهی کلان، در سطح فردی، احساس تأثیرگذاری فردی خیلی کم است (من به عنوان یک شخص چگونه می‌توانم محیط را بهتر کنم). در سطح جمعی، نیز مردم امکانات تغییر را محدود می‌دانند، و البته بیشتر، مسأله و فکر درباره آن را مرتبط با دولت می‌دانند.

- در دوراهی کلان، افراد احساس مسئولیت کمتری می‌کنند و آن را وظیفه حکومت می‌دانند.

- دوراهی سطح کلان غالباً با احساس ناشناختگی مرتبط است، و این امر با سازوکارهای کنترل اجتماعی که افراد را به همکاری ترغیب می‌کند، در تعارض است.

- افراد در دوراهی سطح کلان، نسبت به همکاری دیگران بسیار بدبین هستند و لذا خودشان را کمتر متمایل به همکاری می‌سازند.

به نظر ون‌لانگ و دیگران (۲۰۰۰) رویکرد زمانی رفاه جمعی یک جنبه دشوار دوراهی اجتماعی کلان است. زیرا نفع فردی در زمان کوتاه تجربه می‌شود و پیامدهای منفی اجتماعی آن در درازمدت حادث می‌شود. این نوع دوراهی، حیل‌های اجتماعی هم نامیده می‌شود (که در ادامه توضیح داده خواهد شد). اکثر افراد بدون در نظر گرفتن مسائل اجتماعی، منافع فردی کوتاه‌مدت خود را بر درازمدت ترجیح می‌دهند و لذا حیل‌های اجتماعی فراوان است و مردم فکر می‌کنند که تکنولوژی راه‌حلی برای آن پیدا می‌کنند.

یک مسأله دیگر، در دوراهی‌های کلان، این است که با تمام پیش‌بینی‌های عقلانیت ابزاری، باز هم مردم رفتارهای همیارانه دارند (که با عقلانیت اجتماعی قابل تبیین است). عنوان مقاله الفرز^۱

(۲۰۰۰) این است: «اما مالیات دهندگان همکاری می کنند»^۱ می توان این پرسش را مطرح کرد که چرا افراد با وجود اینکه می دانند تأثیر همکاری آنها بر حل مشکلات اجتماعی کم است، باز هم همکاری می کنند (ونوگت و دیگران، ۲۰۰۰). این مسأله نیز جای بحث مجزایی دارد.

انواع دیگر دوراهی اجتماعی: دوراهی اجتماعی انواع دیگری هم دارد. مسیك و مک کله لند (۱۹۸۳) از دوراهی زمانی^۲ و دوراهی جمعی^۳ نام می برند. دوراهی زمانی (با مفهومی نزدیک به دوراهی شخصی)، وقتی است که هزینه انجام یک عمل، آنی و بلافاصله است ولی نفع ناشی از انجام عمل، در آینده محقق خواهد شد. مثال دوراهی زمانی، ارزیابی اجراء است که اکثر کارکنان شرکت ها از آن دل خوشی ندارند، چون در کار آنها اختلال ایجاد می کند. ولی اگر این ارزیابی نباشد، ادامه کار یک سازمان یا شرکت با مشکل روبرو خواهد شد. دوراهی جمعی وقتی است که نفع یک نفر، برای جمع هزینه بر است. مثال این نوع دوراهی، احتکار است. در تقسیم بندی دیگر، مسیك و برور (۱۹۸۳) بین حيله و سپر تمایز می گذارند:

- سپر اجتماعی^۴: در این دوراهی، فرد با یک هزینه فوری روبروست که سود مشخصی را تولید می کند که بین همه تقسیم می شود. افراد تمایل دارند که از هزینه کردن اجتناب کنند؛ وضعیتی که در نهایت برای همه بدتر است. در سپر اجتماعی، افراد انگیزه ای برای انجام عمل جمعی ندارند. بر عهده گرفتن راهنمایی پایان نامه دانشجویان در دوره کارشناسی چنین است، اکثر اساتید از زیر بار آن شانه خالی می کنند.

- حيله اجتماعی^۵: فرد با یک سود فوری وسوسه می شود که ناشی از هزینه تقسیم شده به وسیله همه است. اگر همه به این وسوسه اغوا شوند، یک نتیجه ناگوار جمعی ایجاد می شود. به عبارت دیگر حيله وقتی رخ می دهد که یک مشوق مثبت، فرد را به صرف نظر کردن از نفع همگانی فرا می خواند. برای مثال در احتکار، فرد نفع می برد در حالیکه جمع زیان می کند.

تدارک یک کالای جمعی سپر اجتماعی است و تراژدی اراضی مشاع یک دام اجتماعی، با این حساب، این طبقه بندی، با تقسیم دوراهی به کالای همگانی و منابع مشترک، قابل انطباق است.

1. But taxpayers do cooperate!
2. temporal dilemma
3. collective dilemma
4. performance appraisal
5. social fence
6. social trap

ادبیات فردگرایی و دوراهی اجتماعی در ایران

برخی از محققین ایرانی در دهه اخیر درباره مناقشه فردگرایی و جمع‌گرایی تحقیقاتی ارائه داده‌اند. میرزایی (۱۳۸۵) با تعمق در مفهوم فردگرایی ابعاد مختلف آن را مورد بررسی قرار داده است. از نگاه وی، در نوعی از فردگرایی، فرد در پی نفع شخصی خود در کنار نفع اجتماعی سایرین است که به عنوان فردگرایی و شاخصی مهم برای توسعه اجتماعی تلقی می‌شود. اما در نوع دیگر فردگرایی (فردگرایی غیراجتماعی یا خودمدارانه)، فرد فقط نفع شخصی خود را دنبال می‌کند و حاضر است مصالح جمعی را فدای منافع فردی خود کرده و به نفع همگانی بی‌اعتنایی کند. از نگاه وی شخصیت اجتماعی ایرانیان، و برخی از مشکلات اجتماعی از قبیل مشارکت اجتماعی پایین در حوزه عمومی، کمبود آثار علمی مشارکتی و اختلال در ترافیک ناشی از فردگرایی خودمدارانه در میان اقشار اجتماعی ایرانیان است.

قاضی مرادی در کتاب خود «در پیرامون خودمداری ایرانیان» (۱۳۷۸) برخی از ابعاد رفتاری شخصیت خودمدارانه را چنین فهرست کرده است: استغراق در زندگی روزینه، بینش روزینه، ذهنیت استبداد زده، سترونی و تقلید، تجاوزگری و خشونت، فساد، فقدان عشق و دوستی، ناامیدی، تحقیرشدگی و حس حقارت. تعریف خودمداری از نظر وی، گرایش انسان به زندگی در قلمرو رفع نیازها و تحقق منافع و مصالح شخصی و خصوصی بی‌واسطه و آنی و فوری است (قاضی مرادی، ۱۳۷۸: ۲۹). البته وی تمام این رفتارها را به ایرانیان نسبت می‌دهد و این نگاه بسیار تیره، پذیرفتنی نیست.

سایر تحقیقات در ایران نیز نشان می‌دهد با اینکه اغلب افراد تمایل دارند رفتارهای جمع‌گرایانه داشته باشند (چلبی، ۱۳۸۱؛ دفتر طرح‌های ملی وزارت ارشاد، ۱۳۸۱) و در حدود میانه جمع‌گرایی و فردگرایی قرار دارند (عظیمی هاشمی، ۱۳۷۳ و نوروزی، ۱۳۷۵)، اما افراد اعتقاد دارند که بسیاری از افراد دیگر در جامعه، رفتارهای فردگرایانه دارند. برای مثال ۷۴/۵ درصد تهرانی‌ها در تهران گفته‌اند بیشتر مردم فقط به فکر خودشان‌اند و ۷۹ درصد نیز گفته‌اند نمی‌توان چندان به مردم اعتماد کرد (محمدی شکیبیا، ۱۳۷۹).

مسعود چلبی (که عمده نظریات مطرح شده در این آثار زیر نظر یا متأثر از نظریات او انجام شده) در تبیین این تعارض در گرایش و رفتار می‌گوید «تجلی هر رفتاری - از جمله رفتارهای عام‌گرایانه - منوط به تمایلات نظام شخصیتی نیست، بلکه همزمان وابسته به نوع قواعد اجتماعی، فرصت‌ها و نحوه آرایش آنها است. بنابراین، می‌توان پذیرفت در همان حال که میزان میل به عام‌گرایی

در سطح نظام شخصیت در برهه‌ای از زمان در میان جماعتی بالا باشد، در همان حال و به همان نسبت در سطح نظام رفتاری افراد بروز نداشته باشد.» (چلبی، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

اما مشخصاً چند تحقیق خاص با استفاده از مفهوم دوراهی اجتماعی در ایران انجام شده که مناقشه فردگرایی و جمع‌گرایی را با الهام از این مفهوم بررسی کرده است.

جوادی‌یگانه (۱۳۸۱ الف) دوراهی اجتماعی را با استفاده از نظریه انتخاب عاقلانه (به ویژه روایت جامعه‌شناختی آن، شامل عقلانیت اجتماعی) و نظریه بازی بررسی کرده است. عوامل موثر بر رفتار در دوراهی اجتماعی، شامل عوامل موقعیتی، شخصیتی و فضای کنش است. نتایج تحقیق با استفاده از پیمایش بر روی شهروندان تهرانی، نشان داد که میزان رفتار همیارانه پاسخگویان در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، بین ۶۵ تا ۸۵ درصد و میزان رفتار همیارانه مردم از نظر پاسخگویان، بین ۲۰ تا ۴۰ درصد است. تأثیر عوامل شخصیتی (جهت‌گیری مذهبی و نوع شخصیت یا جهت‌گیری ارزش‌های اجتماعی)، موقعیتی (اعتقاد به اثربخشی عمل جمعی، شرایط دوستانه یا رقابتی حاکم بر موقعیت، ارتباط میان کنشگران در موقعیت، اطلاع از پیامدهای رفتار غیرهمیارانه در دوراهی اجتماعی، تأثیر تجربه قبلی) و فضای کنش (هنجارهای حاکم بر کنش، نوع رابطه، و نوع موقعیت کنش) بر رفتار افراد در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی در این تحقیق تأیید شد.

دربندی (۱۳۸۵؛ همچنین معیدفر و دربندی، ۱۳۸۵) نیز در پایان‌نامه خود، با استفاده از نظریه انتخاب عاقلانی، رفتار در دوراهی اجتماعی را با استفاده از متغیرهای مستقلی چون تعهد، خویشن‌داری، اعتماد، دینداری، و واکنش‌های دیگران مورد بررسی قرار داده است و راه‌حلی برای افزایش همکاری در موقعیت دوراهی ارائه داده است. تقویت دیگرخواهی و تعهد جمعی، آموزش درباره زیان‌های عدم همکاری و فواید همکاری، کم هزینه کردن همکاری و پر هزینه کردن عدم همکاری و تقویت نظارت رسمی و غیررسمی از جمله این راه‌حل‌ها است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، فردگرایی و ابعاد آن، با اتکا به ادبیات موجود در عرصه علمی علوم اجتماعی ایران و جهان، مورد بحث قرار گرفت و گرایش‌های متعارض به سمت ترجیح منافع فردی یا همراهی با منافع جمعی در موقعیت دوراهی اجتماعی مورد بحث قرار گرفت. به نظر می‌رسد مفهوم فردگرایی، مفهومی بسیط و بدون تاریخ نیست که بتوان به سادگی در تحلیل رفتارهای اجتماعی در ایران از آن بهره گرفت.

فردگرایی در طول تاریخ از مفهومی مثبت به مفهومی منفی تبدیل شده است و در دوره‌هایی به عنوان گذار از اخلاق قبله‌ای و جمع‌گرایی احساسی، یکی از شاخص‌های توسعه بوده است. اما در نیمه دوم قرن بیستم، فردگرایی افراطی و بی‌توجهی به تحقق منافع فردی از طریق منافع جمعی به عنوان یک شاخص منفی مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین ضرورت تبیین فردگرایی با استفاده از نظریاتی که به این پیچیدگی‌های رفتاری و موقعیتی توجه دارند، اهمیتی ویژه یافته است.

تعارض میان گرایش‌ها و رفتارها در موضوع فردگرایی و جمع‌گرایی، نیازمند تبیین نظری و مفهوم‌سازی مناسب بود، که بیشتر تحقیقات قبلی در ایران (که برگرفته از نظریات کلاسیک در این باره بودند)، نتوانسته بودند از عهده آن برآیند. دوراهی اجتماعی یکی از جدیدترین تبیین‌ها است که در سال‌های اخیر، کم و بیش در ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است و قابلیت آن را دارد تا ابزار مفهومی بررسی مسائل اجتماعی فراوانی قرار گیرد. برخی از این مسائل در این مقاله نیز به عنوان نمونه مطرح شده است. به اعتقاد نگارندگان، تعریف ارائه شده در این مقاله برای بررسی مفهومی دوراهی اجتماعی مناسب‌تر از تعاریف دیگر است.

علاوه بر این، داده‌های تحقیقات میدانی (دربندی، ۱۳۸۵) و شبیه‌سازی (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۳) با استفاده از تحلیل رفتار فردگرایانه یا جمع‌گرایانه در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی در تهران (که جمع‌گرایی را حدود ۳۰ درصد اندازه گرفته)، نشان از توانایی این مفهوم به عنوان یک ابزار تحلیلی در سنجش رفتارهای مردم در ایران دارد.

منابع

- آریان‌پورکاشانی، منوچهر (۱۳۷۷) فرهنگ پیشرو آریان‌پور (شش جلدی)، تهران: جهان رایانه، چاپ دوم.
- بودون، ریمون (۱۳۷۰) منطق اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: جاوید، چاپ دوم.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا (۱۳۸۳ الف) دوراهی اجتماعی و عوامل موثر بر رفتار مردم در این موقعیت، رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا (۱۳۸۳ ب) "کاربرد نظریه بازی در تحلیل رفتار روزمره: با تحلیل جامعه‌شناختی ائتلاف بنزین" رفاه اجتماعی شماره: ۱۵، صص ۵۷-۹۸.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱) بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- دربندی، سیدعلیرضا (۱۳۸۵) بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرایانه شهروندان تهرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور.
- روشه، گی (۱۳۷۶) **جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز**، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: تیبان.
- عظیمی‌هاشمی، مژگان (۱۳۷۳) عام‌گرایی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی.
- فریدمن، میلتون و فریدمن، رز (۱۳۶۷) **آزادی انتخاب**، ترجمه: حسین حکیم‌زاده جهرمی، تهران: پارسی.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۷۸) **پیرامون خودمداری ایرانیان: پژوهشی در روان‌شناسی اجتماعی مردم ایران**، تهران: ارمغان.
- کرایب، یان (۱۳۷۸) **نظریه اجتماعی مدرن؛ از پارسونز تا هابرماس**، ترجمه: عباس مخبر، تهران: آگه.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نی.
- کوزر، لیویس (۱۳۶۹) **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی، چاپ دوم.
- محمدی شکیب، عباس (۱۳۷۹) **نظرسنجی از شهروندان تهرانی درباره منافع فردی و جمعی**، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما.
- معدفر، سعید و دربندی، سیدعلیرضا (۱۳۸۵) "بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرایانه شهروندان تهرانی" **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره هفتم، شماره: ۳، صص ۳۴-۵۸.
- میرزایی، حسین (۱۳۸۵) **بررسی جامعه‌شناختی فردگرایی در ایران**، رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.
- میرساردو، طاهره (۱۳۷۹) **فرهنگ جامعه‌شناسی**، تهران: سروش.
- نوروزی، فیض‌ا... (۱۳۷۵) فردگرایی در بین جوانان در حال تحصیل در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی.
- هیرشمن، آلبرت (۱۳۷۹) **هواهای نفسانی و منافع: استدلال‌های سیاسی به طرفداری از سرمایه‌داری** پیش از اوج‌گیری، ترجمه: محمد مالجو، تهران: شیرازه.

- Biel, A. (2000) "Factors Promoting Cooperation in the Laboratory, in Common Pool Resource Dilemmas, and in Large-scale Dilemmas". In: Van Vugt, M. & M. Snyder & T.

- R. Tyler & A. Biel (eds.) *Cooperation in Modern Society Promoting The Welfare of Communities, States and Organizations*. London: Routledge. pp. 25- 41.
- Boudon, R. (1998) "Limitations of rational choice theory" *The American Journal of Sociology*, Vol: 104, Issue: 3, Pp. 817-828.
 - Chaitas, S. & A. Solodkin & J. Baron (1998) *Student's Attitudes Toward Social Dilemmas in Argentina, Mexico, and The United State*. <http://www.sas.upenn.edu/~jbaron/virt.htm>. (document last modify date January 27, 1998).
 - Dawes, R. (1980) "Social dilemmas" *Annual Review of Psychology*, Vol: 31, Pp. 169-193.
 - De Cremer & S. De Witte (2002) Effect of trust and accountability in mixed-motive situations, *The Journal of Social Psychology*, 142
 - Dean, C. (1997) A Social Dilemma: Individual Gain or Common Good? *The Psychology Teacher Network*, May/June Drucker, S. M. & P. Kollock (n.d.) *The Commons: A Toolkit for the Quantitative Analysis of Trust and Cooperation in Online Environments*. www.research.microsoft.com/~sdrucker/papers/commons.pdf
 - Eek, D. (1998) "To work or not to work? A social dilemma analysis of health insurance" *Gateborg Psychological Reports*, Vol: 28, No. 3.
 - Elffers, D. (2000) "But taxpayers do cooperate!" In: Van Vugt, M. & M. Snyder & T. R. Tyler & A. Biel (eds.). *Cooperation in Modern Society: Promoting The Welfare of Communities, States and Organizations*. London: Routledge.
 - Elster, J. (1989) *The cement of society*. Cambridge, New York, Victoria: Cambridge University Press.
 - Foddy, M. & M. Smithson & S. Schneider & M. Hogg (Eds.) (1999) *Resolving Social Dilemmas. Dynamic, Structural and Intergroup Aspects*. Philadelphia, PA.: Psychology Press.
 - Hardin, G. (1968) "The tragedy of the commons" *Science*, Vol: 162, Pp. 1243-1248
 - Harsanyi, J. C. (1998) "Advances in Understanding Rational Behavior". In: Elster, J. (ed.) *Rational Choice*. Oxford: Basil Blackwell.
 - Kollock, P. (1998) "Social dilemmas: The anatomy of cooperation" *Annual Review of Sociology*, Vol: 24, Pp. 182-214.

- Liebrand, W. B. & H. A. Wilke & R. Vogel & F. J. Wolters (1986) "Value orientation and conformity: A study using three types of social dilemma games" *Journal of Conflict Resolution*, Vol: 30, Issue: 1, Pp. 77-97.
- Liebrand, W. B. G. & P. Van Lange & D. M. Messick (1996) Social Dilemmas. In A. S. R. Manstead, & M. Hewstone (Eds.), *The Blackwell Encyclopedia of Social Psychology* (1st, pp. 546-551). Oxford: Blackwell.
- Linderberg, S. (2002) "Social rationality and the new name of our section" *The Agora Online* (Newsletter of Rationality and Society Section of the American Sociological Association and the Research Committee on Rational Choice of the International Sociological Association), Vol: 11, Issue: 1, Pp. 1-3.
- Marshal, G. (ed.) (1998) *A Dictionary of Sociology*. Oxford: Oxford University Press.
- Messick, D. M. & C. L. McClelland (1983) Social traps and temporal traps. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 9: 105-110.
- Messick, D. M. & M. B. Brewer (1983) Solving social dilemmas a review. In: L. Wheeler & P. Shaver (Eds.). *Review of Personality and Social Psychology*. Beverly Hills: Sage Publications. (pp. 11-44).
- Olson, M. (1965) *The Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups*. Cambridge: Harvard University Press.
- Reber, S. (1995) Social Dilemma. In: *The Penguin Dictionary of Psychology*.
- Simon, H. (1982) *Models of bounded rationality*. Cambridge: MIT Press.
- Sugiman, T. (1998) "Group Dynamics in Japan" *Asian Journal of Social Psychology*, Vol: 1, Issue: 1, Pp. 51-74.
- Tuomela, R. (1992) "On the structural aspects of collective action and free-riding" *Theory and Decision*, Vol: 32, Pp. 165-202.
- Udehn, L. (2001) *Methodological Individualism; Background, history and meaning*. London: Routledge.
- Van Lang, P. & M. Van Vugt & D. De Cremer (2000) "Choosing Between Personal Comfort and the Environment". In: Van Vugt, M. & M. Snyder & T. R. Tyler & A. Biel (eds.) *Cooperation in Modern Society: Promoting The Welfare of Communities, States and Organizations*. London: Routledge. pp. 45- 63.

- Van Vugt, M. & A. Biel & M. Snyder & T. M. Tyler (2000) "Perspectives on Cooperation in Modern Society". In: Van Vugt, M. & M. Snyder & T. R. Tyler & A. Biel (eds.). *Cooperation in Modern Society: Promoting The Welfare of Communities, States and Organizations*. London: Routledge. pp. 3-24.

- Voss, T. (2001) "Is there an alternative to "rational choice"?" *The Agora Online* (Newsletter of Rationality and Society Section of the American Sociological Association and the Research Committee on Rational Choice of the International Sociological Association), Vol: 9, Issue: 2, Pp. 1-2.